

محمد درویش زاده  
قاضی دادگستری خراسان

## نقد و نظری بر نظام ارزیابی و آمار عملکرد دادگستری

### اهمیت و نقش آمار

یکی از رویدادهای قابل توجه چند دهه اخیر در عرصه علوم و فنون بشری ظهور ایده‌ها و روشهای آماری است. دامنه تأثیر و به‌کارگیری تکنیکها و روشهای آماری در تمامی زمینه‌های مختلف علمی و توسعه بخشی، بسیار گسترده است.

بر پایه روشهای آماری، اصول گردآوری ارقام و اطلاعات آماری، نمایش دادن آنها، تجزیه و تحلیل و تفسیر، با روشهای مختلف استنباطهای آماری مورد بحث قرار می‌گیرد. به مدد این یافته‌های بشری می‌توان انبوه مشاهددها و نتایج کار را مورد مطالعه قرار داد و قوانینی را که این پیش‌آمدها از آن پیروی می‌کنند معلوم ساخت. جنبه عملی و تجربی آمار موجب شده‌است که این علم بتواند نقش بزرگ و اساسی در پیشرفتهای علمی و جهات مختلف زندگی اجتماعی داشته‌باشد؛ لذا مدیران امروز امکان استفاده از اطلاعات پردازش شده زیادی را برای کنترل فعالیتهای سازمان مربوطه در اختیار دارند.

این اطلاعات برای اندازه‌گیری نتایج عملیات، مقایسه واقعی با استانداردها، مشخص شدن انحرافات و انجام اقدامهای اصلاحی - قبل از آنکه زمان بگذرد - به‌کار

گرفته می‌شود. در سازمانهای بزرگ، داده‌پردازی الکترونیکی و سیستمهای کنترل، تمام برنامه‌ها و کیفیت عملیات را مشخص می‌کند. و بنابراین هرگونه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در بخشهای مختلف عملکردی، اداری و مدیریتی يك مجموعه گسترده مثل قوه قضائیه نیازمند اطلاعات آماری و تجزیه و تحلیل و تفسیر آماری به شیوه علمی است.

در این راستا به‌کارگیری تحلیلهای آماری توسط رایانه کمک مهمی در دسترسی به انواع تجزیه و تحلیلهای آماری و با سرعت زیاد دارد. از اینجاست که ضرورت بازنگری و تحول در نظام آماری حاکم بر دادگستری پیدا می‌شود.

### کاستیهای نظام آماری موجود

نگاه مختصری به فرمهای آمار عملکرد تحت اقدام دادگستری که هر ماهه توسط شعب و واحدها تنظیم و به مرکز ارسال می‌شود و نیز جمع‌بندی آنها توسط واحد آمار و رایانه [در بعضی از استانها جمع‌بندی و به اصطلاح رتبه‌بندی انجام شده ماهیانه از استان به شعب استان اعلام می‌شود.] به‌خوبی این نکته را روشن می‌کند که در تهیه و تنظیم فرمها و نیز روشهای جمع‌بندی، اصول علمی مربوطه نادیده گرفته شده و اقدام واحد مزبور بیشتر به جمع‌آوری اعداد خام و کنار هم گذاشتن آنها یا رده‌بندی آنها بدون استفاده از روشهای آماری شبیه است. لذا تنها اطلاعات محدود و غیرمفید و ص달بته غیرواقع‌نمایی را به‌دست می‌دهد که به چند نکته کم‌اهمیت منحصر می‌شود. درحالی‌که اعداد خام حاصل از هر نوع تجربه و مشاهده تنها وقتی قابل تفسیر و معنادار هستند که با روشهای خاص آماری مرتب و منظم شده باشند.

مسلم است شیوه متداول آماری هیچ چراغی را برنمی‌افروزد. بلکه اساساً فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را هم به بی‌راهه می‌برد، چون برنامه‌ریزی بر پایه اطلاعات و آگاهی از فرصتها و تهدیدهای آتی انجام می‌شود و چگونگی استفاده از فرصتها و مبارزه با تهدیدها را مشخص می‌کند. اما در اینجا این پایه اساسی برنامه‌ریزی به‌لحاظ غیرعلمی بودن بسیار سست و لرزان است.

به عنوان نمونه در نظام آماری موجود برای ارزیابی عملکرد شعب دادگاهها تنها به شمارش تعداد پرونده‌های مختومه می‌پردازند، ولی به آنچه مختومه شده - از نظر حجم کاری که به خود اختصاص داده - توجه نمی‌شود. درحالی که واقعیت این است که پرونده‌های مختومه شده دارای طبقات مختلفی از نظر حجم و کیفیت کار می‌باشند. بعضی از پرونده‌ها ممکن است به نحوی باشد که تنها یک برگ کاری - آنهم کاملاً کلیشه‌ای - بر روی آن انجام شود اما بعضی ممکن است حتی بیش از هزار برگ کاری داشته باشد یا بیش از ده جلسه دادگاه را به خود اختصاص دهد. اما نظام آمار و ارزیابی موجود هر کدام از این پرونده‌ها را معادل یک واحد عملکردی محسوب می‌کند و برای مختومه شدن هر دو نوع پرونده یک درجه مساوی از ارزیابی و ارزش را قایل است!!

در این نظام تعجبی ندارد اگر مشاهده کنیم که بعضی از شعب که پرونده‌های نیم‌برگی رسیدگی می‌کنند به خاطر اینکه عدد حاصل از جمع عملکرد آنها بزرگتر از مجموع عملکرد شعبه‌یی است که پرونده‌های سنگین یا حتی متوسط رسیدگی کرده است؛ به عنوان شعب برتر در رده‌بندی قرار می‌گیرند.

همچنین تعجبی ندارد اگر بعضی واحدها دست به آمارسازی و پرونده‌سازی بزنند و به اصطلاح با جور کردن پرونده‌های نیم‌برگی - که خود تخصصی پیچیده است - سعی در پیشی گرفتن از یکدیگر در رقابت ناسالم موجود بنمایند. و نیز از همین مقوله است اگر افرادی که تحت این‌گونه ضابطه‌های ارزیابی عمل می‌کنند بدون پی‌جویی ریشه‌یی منازعات و قلع ماده فساد و فصل خصومت تنها به فکر مختومه کردن و راههای فرار و بستن پرونده باشند و آن وقت می‌بینیم بدون حل اختلاف ارباب رجوع پرونده او مختومه می‌شود و مراجعه کننده به ناچار مجدداً همان موضوع را از راه دیگر و با عنوانی دیگر مطرح می‌کند که البته احتمال برخورد مجدد به همان سیکل باطل قبلی وجود دارد و اگر هم گرفتار آن نشود در نتیجه برای یک موضوع دو پرونده تشکیل شده و در مجموع وارده کل در هر سال نسبت به وارده کل سال قبل که سنجیده می‌شود رشدی حیرت‌انگیز مشاهده می‌شود و این سوال باقی

می‌ماند که اگر روند شتابان و افسارگسیخته افزایش پرونده‌ها به شکل کنونی - که با افزایش نرخ تورم هم سر برابری دارد - با همین آهنگ ادامه یابد؛ در بلندمدت و میان‌مدت در مقابل طوفان منازعاتی که در راه است قرار خواهیم گرفت!

البته ممکن هم هست که مراجعه‌کننده پس از طرح چند پرونده و رسیدن به بن‌بست از ادامه کار منصرف شود ولی در این صورت قضاوت افکار عمومی در خصوص عملکرد این قوه چه خواهد بود و مهندسین افکار عمومی در قوه قضائیه چه پاسخی خواهند داشت، معلوم نیست.

و اما اینکه حاکمیت این شکل ارزیابی و آمار چه بلایی به سر آرمان احقاق حق - که تابلوی ذهن قاضی است - می‌آورد، و چگونه انگیزه‌های عدالت‌جویانه را زیر چرخهای سنگین خود خرد می‌کند و هم به لحاظ شتاب‌آلودگی اجزای مجموعه در رسیدن به معیار مورد قبول سازمان - یعنی مختومه شدن هر واحد پرونده با ارزش مساوی آنها - موجب رواج سطحی‌نگری و ظاهرگرایی و قالب‌پرستی در قوه قضائیه و در نتیجه منتهی به بی‌اعتباری علمی و حتی ملی می‌گردد و شاید دهها ضایعه دیگر از این دست به دنبال داشته باشد که همه اینها مباحثی است خارج از آنچه در پی آن هستم و در اینجا تنها می‌خواهم بر این نکته تأکید کنم که هر نوع پایه قرار دادن این یافته‌های آماری - که واقعیت را نشان نمی‌دهد و عاری از اصول علمی است - برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و تعیین خط مشیها و سیاستهای خرد و کلان؛ هیچ تضمینی برای هدایت مجموعه به سامان مطلوب ندارد.

البته ذکر این نقایص به معنای نادیده گرفتن تلاش بی‌وقفه و انگیزه‌های خداپسندانه قضات شریف و همچنین طراحان و مجریان نظام آماری موجود نیست و نقصی هم بر آنها روا نیست. بلکه صحبت از لزوم بازنگری در روشهای گذشته است، که تداوم حیات سازمانها همواره به بازنگری و بازسازی آنها بستگی دارد. بازسازی سازمانها از طریق هماهنگ کردن اهداف با وضعیت روز و اصلاح و بهبود روشهای رسیدن به این اهداف انجام می‌شود. و حتی می‌توان گفت بدون بازسازی هیچ سازمانی نمی‌تواند دوام زیادی بیاورد.

### نظام آماری بسامان

در مسیر پایه‌گذاری نظام آماری علمی به نظر می‌رسد که گامهای آغازین آن می‌تواند به شرح ذیل باشد. و البته همه اینها محتاج نقد و بررسی و کاوش آگاهان و خردمندان است و یقیناً حرف آخر نخواهد بود.

#### ۱- اصلاح فرمهای آماری

فرمهای تحت اقدام مربوط به عملکرد ماهیانه شعب دارای نقایصی است که از ابتدا موجب می‌شود حتی داده‌ها و اطلاعات خام به صورت جامعی گزارش نشود. و تا چنین باشد هرگونه طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات مزبور اعتبار چندانی نخواهد داشت در ذیل به ذکر چند نمونه از نقایص مزبور اشاره می‌رود.

۱-۱- در فرمها جایی برای گزارش و تفکیک پرونده‌های مختومه‌یی که به موجب قرار از دور خارج شده‌اند؛ با آنها که به موجب حکم مختومه شده‌اند راهی پیش‌بینی نشده.

۲-۱- گزارش اصلاحی که نقش بسیار مطلوبی در ریشه‌کنی منازعات دارد - و شاید به خاطر همین بی‌مهریها آرام‌آرام از نظام دادرسی حذف می‌شود - در فرمها پیش‌بینی نشده‌است.

۳-۱- تفکیک مسایل حقوقی از کیفری انجام نشده به طوری که در یک ستون ملاحظه می‌شود به صورت مختلط از هر دو نوع مسایل پیش‌بینی شده‌است.

۴-۱- با وجود حذف بعضی از عناوین مثل - امور خلافی - از نظام قضایی هنوز ستون مربوط به آن در فرم آمار به قوت خود باقی است.

۵-۱- کلاً عناوین دعاوی و جرائم به صورت دسته‌بندی شده و جامع در فرمها لحاظ نشده‌است.

همه این موارد می‌طلبد که یک گروه کاری متشکل از قضات و مطلعین که احاطه کامل به عناوین جزایی و حقوقی دارند جهت تنظیم فرم آمار عملکرد به نحوی که جامع نوع دعاوی و جرائم و با عنوانهای ریزتری باشد اقدام کنند.

## ۲- تعیین ضرایب حجمی یا ضریب اهمیت

همان‌طور که گفتیم پرونده‌های مطرح در دادگستری از نظر حجم کاری که به خود اختصاص داده‌اند یکسان نیستند، بعضی ممکن است با یک یا چند برگ کاری مختصر مختومه شوند و بعضی دیگر صدها برگ کاری و ده‌ها جلسه را به خود اختصاص می‌دهند و از انصاف و تدبیر بسیار دور است که در جمع پرونده‌های مختومه، وزن و حجم کاری آنها لحاظ نشود. لذا همان‌طور که در نظام‌های آموزشی پیشرفته برای تعیین معدل تحصیلی دانشجو از «میانگین وزنی» استفاده می‌کنند و میانگین حسابی مورد عمل نیست، تا مثلاً نمره ۱۷ از یک ماده درس با حجم چهار واحد؛ مغلوب نمره ۱۸ از یک ماده درسی با حجم نیم واحد نگردد.

در دادگستری هم لازم است گروه کاری فوق‌الذکر که عناوین دعاوی و جرایم و فرم آماری را تنظیم می‌نماید؛ در مرحله بعدی و به گونه‌ای علمی به تعیین ضریب و وزن مربوط به هر یک از عناوین احصاء شده بپردازد. به این شکل که مثلاً برای پرونده‌هایی که با یک جلسه رسیدگی مختومه می‌شود ضریب ۲۵٪ و برای پرونده‌هایی که معمولاً با دو جلسه رسیدگی می‌شود ضریب ۷۵٪ و ... ضریب‌های متعددی تعیین کنند که پس از تنظیم فرم آمار از سوی هر یک از شعب دادگاه‌ها بتوان وزن عملکرد هر یک را با توجه به حجم کاری که مصروف شده‌است تعیین کرد.

## ۳- تعیین معیارها و شاخصها (استانداردها)

با توجه به اهداف موردنظر مجموعه دادگستری که در قانون اساسی و غیره آمده‌است باید شاخص‌هایی را طراحی نمود که فاصله وضعیت موجود را با وضعیت مطلوب نشان دهد و میزان تطابق عملکرد با اهداف را معلوم کند و همین‌طور شاخص‌هایی که بتوان همواره و به سرعت وضعیت کلی مجموعه را ارزیابی نمود و البته این شاخص‌ها می‌تواند انواع متعدد داشته باشد و نکته دیگر اینکه منظور ما در اینجا مفهومی گسترده‌تر از شاخصی که در آمار مطرح است می‌باشد و شامل به‌کارگیری روش‌های طبقه‌بندی و تحلیل‌های آماری و ... که اهداف موردنظر را تأمین کند می‌گردد. اکنون به ذکر چهار نوع شاخص قابل طراحی می‌پردازیم.

۱-۳- شاخصهای اطلاعاتی محض: هدف از این دست شاخصها تنها توضیح و نمایش وضعیت کنونی مجموعه است. اجزای این شاخصها با بررسی همه جانبه و جمع آوری اطلاعات خام از عملکرد هر شعبه که در فرمهای مربوطه آمده و با اعمال ضرایب اهمیت آنها؛ به دست می آید. طریقه آن هم می تواند استفاده از جدول توزیع فراوانی و تعیین درصد فراوانی طبقات و فراوانی نسبی و تراکمی و غیره باشد.

۲-۳- شاخصهای شناسایی مشکلات: در شاخصهای دسته اول به صورت غیرمستقیم و از طریق نشان دادن وضعیت موجود، امکان شناسایی مسایل و مشکلات وجود دارد. اما هدف این شاخصها مستقیماً متوجه شناسایی و نشان دادن مشکلات و خالیگاهها است. برای فرموله کردن این شاخصها باید ابتدا مشکلی را به صورت مجرد - مثل افت کیفیت و غنای علمی آرای صادره - شناسایی نمود، سپس وضعیت آن را در کل مجموعه از طریق طبقه بندی مجموعه نسبت به آن صف تعیین نمود و نیز نسبت به تحصیل سایر شاخصها و اجزای مرتبط با آن اقدام کرد.

۳-۳- شاخصهای پیش بینی کننده: کاربرد این تحلیلها در تعیین علل بروز وضعیت موجود است. براساس این شاخصها برنامه ریزان و تصمیم گیران می توانند پیشنهادهای خود را دقیقتر و آگاهانه تر تنظیم کنند. همچنین قادر خواهند بود که از عوارض برنامه های در دست اجرا مطلع شوند و در این صورت است که تصمیمات بیشتر بر پایه واقعیات عینی اتخاذ خواهد شد و تنها با تکیه بر روشهای علمی است که دریافت پیامهای حیاتی در رابطه با اهداف عمده برنامه ریزان و مدیران ممکن می شود. مثلاً با استفاده از تحلیلهای مطرح در بحث همبستگی و معادله خط رگرسیون و تابع همبستگی به آسانی می توان نشان داد که مثلاً تأثیر سیاست اجرای قانون نقل و انتقال دوره ای قضات در کارآیی و اشتیاق به کار و صدور احکام متقن مثبت بوده یا منفی؟ یا اینکه پرداخت اضافه کار مخصوص در ساعات بعد از ظهر تأثیر مثبت یا منفی در کیفیت کار داشته است. - البته قبلاً باید شاخصهای ارزیابی کیفیت طراحی و اعمال شده باشد.

حتی در روشهای پیشرفته آماری ارتباط بین يك عامل با چندین متغیر قابل

استحصال است. مثال دیگری از کاربرد شاخصهای پیش‌بینی کننده اینکه با کمک تحلیل‌های آماری مزبور روند افزایش کل وارده سال - که ظاهراً در سالهای گذشته به صورت تصاعدی رشد داشته است - برای سالهای آتی پیش‌بینی خواهد شد و آن وقت تدابیر و طرحهای قابل دسترس برای مهار آن یا حداقل کنترل وضعیت قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای تهیه بستر مناسب و امکانات مورد نیاز سالهای آینده از هم اکنون راهکاری دور از انتظار نخواهد بود و البته روشن است که تعیین این شاخصها هم نیازمند بحث و بررسی و تحلیل آگاهانه و علمی از وضعیت گذشته است و به‌کارگیری قواعد و حساب احتمالات در این میان بسیار راه‌گشا است.

۳-۴. شاخصهای تطبیق عملکرد با اهداف: مهمترین شاخصها می‌تواند در ارتباط با ارزیابی برنامه‌ها باشد. زیرا با فرض لحاظ شاخصهای اطلاعاتی و شناسایی مشکلات طبیعتاً و بسته به اهداف سازمان، برنامه‌ها و روش‌هایی به‌کار گرفته خواهد شد و یقیناً این برنامه‌ها هم با توجه به تنگناهای بخشی، منطقه‌یی، ظرفیتهای، نیازها، اولویتهای و امکانات در زمان طراحی و از دید طراحان تعیین خواهد شد که چه بسا عملاً و بعضاً منتهی به وضعیت مطلوب و اهداف مورد نظر سازمان نشود. بنابراین تنها ارزیابی و کنترل دقیق و اساسی و با روشهای علمی است که می‌تواند پیشرفت‌ها و کاستیها را نشان بدهد و تعیین کند که سیاستها و خط مشیهای اجرا شده و مجموع عملکرد با اهداف مطلوب مجموعه هم‌سو و هم‌جهت بوده یا نه؟ و درجه موفقیت در هر يك تا چه اندازه بوده است و تجدیدنظر در روشها تا چه اندازه رواست و چه اهدافی را تأمین می‌کند.

برای به‌دست آوردن و اعمال این شاخصها لازمست مستمراً و پس از طی يك دوره کاری (مثلاً شش ماه) به جمع‌آوری اطلاعات خام از مجموع عملکرد و سپس طبقه‌بندی آنها و استنتاجهای لازم دست زد. مثلاً به پیوست این مقاله جدول توزیع فراوانی پرونده‌ها به همراه ترسیم منحنی توزیع مربوطه و نمودار هیستوگرام و نیز منحنی درصد فراوانی تراکمی مربوط به عملکرد سال گذشته استان خراسان (از جهت وارده) ارسال می‌شود. تحلیل‌های مزبور - که با توضیحاتی مختصر و شاید هم

ناکافی - ارسال می‌شود؛ می‌تواند وسیله‌ی برای سنجش عملکرد واحدهای استان در ارتباط با امکانات هر حوزه از نظر تشکیلات و تعداد شعب دایر باشد. همین‌طور نشان می‌دهد که شاخصهای گرایش به مرکز و شاخصهای پراکندگی در چه وضعیتی هستند و البته کلیه پیامها و دریافتها و تحلیل و تفسیرهای ممکن که قابل استنتاج از این شکل طبقه‌بندی است آن‌قدر گسترده است که مجال مستقلی را می‌طلبد و در اینجا تنها برآنم که اصل امکان طبقه‌بندیهای علمی را نشان دهم ضمن اینکه همان‌طور که در ابتدا گفتم ضرایب اهمیت این ارقام اعمال نشده و تحلیلها نمی‌تواند خیلی معتبر باشد. و از مطالب ذکر شده معلوم گردیده که در باب تعیین ضابطه و استانداردها باید به «منصفانه بودن» و «واقع‌نما» بودن آنها اهمیت داده‌شود تا بتوان از آنها به‌طور کامل استفاده نمود. در غیر این‌صورت نظام آمار و ارزیابی دچار مشکل می‌شود و تشخیص انحرافات و تطبیق عملکرد با اهداف مطلوب سازمانی و اقدامات اصلاحی به‌درستی انجام نمی‌شود و مضافاً اینکه افراد و اجزای مجموعه هم اگر استانداردها را غیرواقعی و غیرمنصفانه بدانند حتی‌المقدور تن به کنترل نمی‌دهند و می‌دانیم که بدون کنترل هم هیچ برنامه‌ی به‌درستی اجرا نمی‌شود و در نتیجه عامل پویایی مجموعه مفقود می‌شود.

در خاتمه تأکید می‌کنم انتظار ندارم مجموعه مدیریت دادگستری هر فکر تازه و خلاق را مورد قبول قرار دهد اما به‌وجود آوردن فضای محرك خلاقیت و نوآوری در هر مجموعه نیازمند آمادگی مدیران برای شنیدن ایده‌های جدید است بلکه پویایی هر سازمانی محتاج استقبال از پیشنهادهایی است که خواستار تغییر شرایط موجودند و استقبال از پیشنهادها هم به معنای پذیرش صددرصد آنها نیست بلکه به معنای تجزیه و تحلیل دقیق و جدی پیشنهاد است و اینکه اگر پیشنهاد به‌کار گرفته نشد دلیل رد آن، با دقت برای پیشنهاددهنده تشریح گردد و اظهاراتی نظیر «ما این فکرها را سالها پیش آزمایش کردیم و قابل اجرا نیست یا موفق نیست یا بررسی خواهد شد و ...» کافی به‌نظر نمی‌رسد.

## جدول توزیع فراوانی پرونده‌های وارده استان خراسان در سال ۱۳۷۷

| ردیف                                                                                    | طبقات       | فراوانی مطلق | درصد فراوانی نسبی | فراوانی تراکمی | درصد فراوانی تراکمی | نماینده هر طبقه |
|-----------------------------------------------------------------------------------------|-------------|--------------|-------------------|----------------|---------------------|-----------------|
| ۱                                                                                       | (۸۰-۹۹)     | ۲            | ۶                 | ۲              | ۶                   | ۸۹/۵            |
| ۲                                                                                       | (۱۰۰-۱۱۹)   | ۳            | ۹                 | ۵              | ۱۵                  | ۱۰۹/۵           |
| ۳                                                                                       | (۱۲۰-۱۳۹)   | ۴            | ۱۲                | ۹              | ۲۶                  | ۱۲۹/۵           |
| ۴                                                                                       | (۱۴۰-۱۵۹)   | ۸            | ۲۴                | ۱۷             | ۵۰                  | ۱۴۹/۵           |
| ۵                                                                                       | (۱۶۰-۱۷۹)   | ۶            | ۱۸                | ۲۳             | ۶۸                  | ۱۶۹/۵           |
| ۶                                                                                       | (۱۸۰-۱۹۹)   | ۳            | ۹                 | ۲۶             | ۷۶                  | ۱۸۹/۵           |
| ۷                                                                                       | (۲۰۰-۲۱۹)   | ۴            | ۱۲                | ۳۰             | ۸۸                  | ۲۰۹/۵           |
| ۸                                                                                       | (۲۲۰-۲۳۹)   | ۲            | ۶                 | ۳۲             | ۹۴                  | ۲۲۹/۵           |
| ۹                                                                                       | (۲۴۰-۲۵۹)   | ۱            | ۳                 | ۳۳             | ۹۷                  | ۲۴۹/۵           |
| ۱۰                                                                                      | (۲۶۰-۲۷۹)   | ۰            | ۰                 | ۳۳             | ۹۷                  | ۲۶۹/۵           |
| ۱۱                                                                                      | (۲۸۰-۲۹۹)   | ۰            | ۰                 | ۳۳             | ۹۷                  | ۲۷۹/۵           |
| ۱۲                                                                                      | (۳۰۰-۳۱۹)   | ۰            | ۰                 | ۳۳             | ۹۷                  | ۳۰۹/۵           |
| ۱۳                                                                                      | (۳۲۰-۳۳۹)   | ۰            | ۰                 | ۳۳             | ۹۷                  | ۳۲۹/۵           |
| ۱۴                                                                                      | (۳۴۰-۳۵۹)   | ۰            | ۰                 | ۳۳             | ۹۷                  | ۳۴۹/۵           |
| ۱۵                                                                                      | (۳۶۰-۳۷۹)   | ۱            | ۳                 | ۳۴             | ۱۰۰                 | ۳۶۹/۵           |
| جمع                                                                                     | پانزده طبقه | ۳۴           | ۱۰۲               | —              | —                   | —               |
| ۱- میانگین = ۱۶۸<br>شاخص‌های گرایش به مرکز توزیع: ۲- نما = ۱۵۳<br>۳- میانه = ۱۴۰        |             |              |                   |                |                     |                 |
| ۱- دامنه = ۲۹۷/۵ =<br>۲- متوسط قدر مطلق انحراف از میانگین = ۲۸/۵ =<br>۳- واریانس = ۵۲ = |             |              |                   |                |                     |                 |

توضیح در پیوست‌های بعدی آمده.

## توضیح جدول توزیع فراوانی

۱- تعیین طبقات: چون محاسبه و داوری درباره نتایج حاصل از اعداد گردآوری شده و مشاهدات و آمار خام به دست آمده به خاطر تعداد و کثرت داده‌ها دشوار است مثلاً هزاران شعبه فعال دادگاه در کل کشور وجود دارد و هر کدام اعداد و ارقامی را از عملکرد خودشان اعلام می‌نمایند لذا بدون طبقه‌بندی آنها نمی‌توان تصویری مناسب از الگوی آنها و قابلیت و توانایی افراد به دست آورد - چون به خاطر سپردن همه افراد و اعداد غیرممکن است - لذا ابتدا طبق نظم و قاعده خاصی داده‌ها مرتب و دسته‌بندی می‌شوند که مهمترین روش برای طبقه‌بندی آنها تهیه جدول توزیع فراوانی است.

در جدول توزیع فراوانی پیوست به عنوان نمونه پرونده‌های وارده به حوزه‌های قضایی استان خراسان (۳۴ حوزه) در سال ۷۷ به این شکل طبقه‌بندی شده‌اند که فاصله بین کمترین وارده (۵/۸۱ فقره) و بیشترین وارده (۲۷۹ فقره) که برابر ۲۹۷/۵ فقره می‌باشد در پانزده طبقه به نحوی که اعداد هر طبقه با طبقه دیگر بیست شماره متوالی فاصله دارد؛ گنجانده شده‌اند.

۲- فراوانی مطلق: در ستون بعدی جدول فراوانی هر طبقه معلوم شده یعنی در طبقه اول که کمترین مقدار وارده را داشته است مشخص شده که وارده دو حوزه قضائی در طبقه اول قرار دارد و مثلاً واره ۴ حوزه قضائی در طبقه هفتم قرار دارد و یا وارده یک حوزه قضایی در بالاترین طبقه که طبقه پانزدهم است قرار دارد.

۳- درصد فراوانی نسبی: از طریق تقسیم فراوانی مطلق هر طبقه به کل فراوانی (۳۴ حوزه) ضرب در عدد صد به دست می‌آید و مثلاً نشان می‌دهد ۹ درصد از کل حوزه‌های قضایی در طبقه دوم قرار داشته‌اند و یا ۲۴ درصد حوزه‌ها تنها در طبقه چهارم قرار داشته‌اند. درحالی که در پنج طبقه دهم تا چهاردهم هیچ حوزه‌یی قرار نداشته و طبقات مزبور تهی از فراوانی بوده.

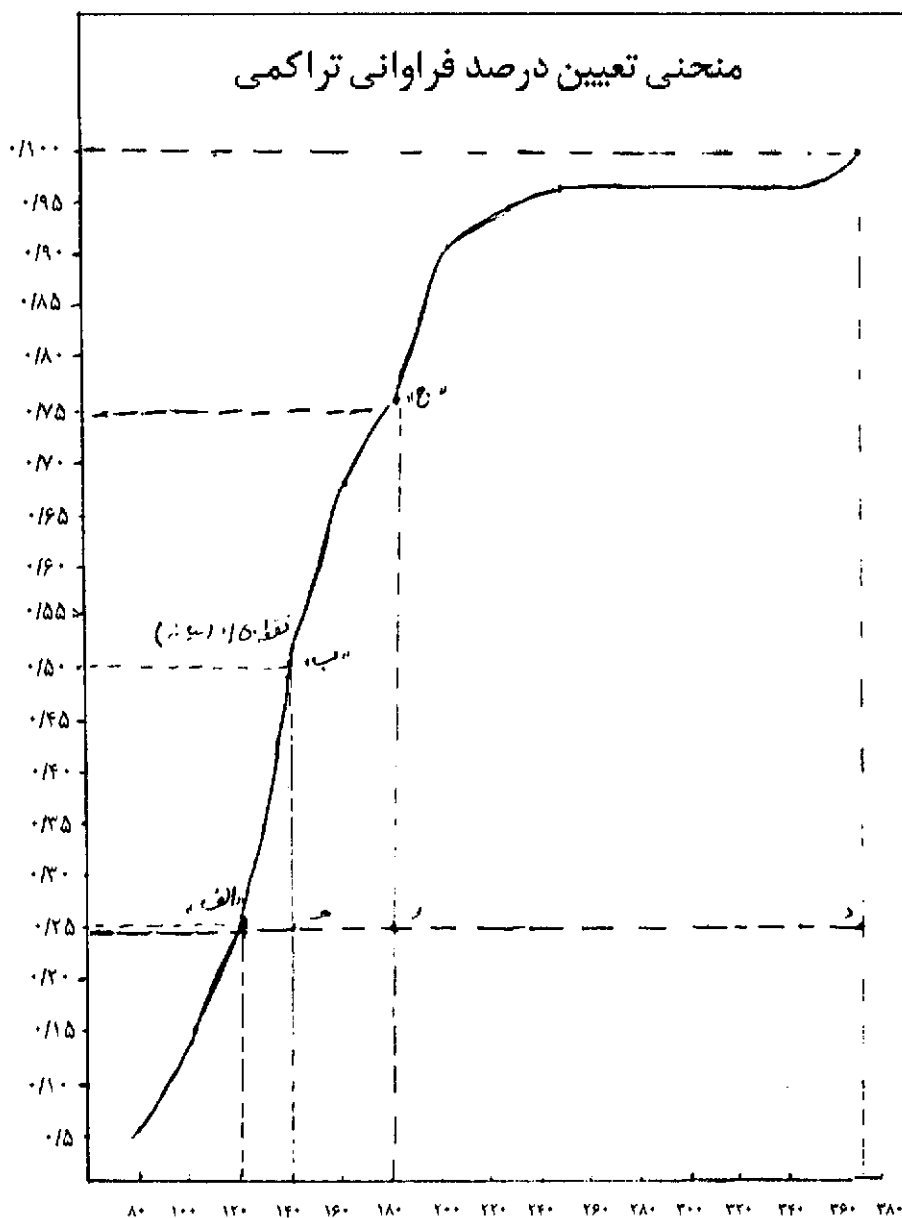
۴- فراوانی تراکمی: در ستون بعدی میزان تجمع و تراکم فراوانی تا هر طبقه

مشخص شده و آن از طریق جمع فراوانی هر طبقه با فراوانی‌های طبقات قبل به دست می‌آید و فی‌المثل نشان می‌دهد که سی حوزه قضایی (از سی و چهار حوزه) تا طبقه هفتم قرار داشته‌اند. و در هشت طبقه بالاتر تنها چهار حوزه قرار داشته‌اند.

**۵- درصد فراوانی تراکمی:** از طریق تقسیم فراوانی تراکمی هر طبقه بر مجموع فراوانی (۳۴ حوزه) ضرب در عدد صد به دست می‌آید و نشان می‌دهد که تا هر طبقه مورد نظر چند درصد از فراوانیها قرار داشته لذا در جدول مزبور ملاحظه می‌شود که پنجاه درصد حوزه‌ها در طبقات اول تا چهارم قرار داشته‌اند یا ۸۸ درصد حوزه‌ها تا طبقه هفتم قرار داشته‌اند و در نتیجه ۱۲ درصد حوزه‌ها در هشت طبقه بالا قرار داشته‌اند و از این می‌توان نتیجه گرفت که چه قسمت‌هایی در استان از نظر تشکیلاتی نیازمند توسعه و تقویت هستند و در کجا تراکم کار بالاست و همین‌طور توانمندیهای افراد و قابلیت‌های آنان از نظر نظام پاداش و تذکر قابل جمع‌بندی است.

همین‌طور شاخصهای گرایش به مرکز و پراکندگی توزیع فوق‌الذکر در جدول آمده که شرح و بسط آنها نیازمند مجال دیگری است و زمینه بحث و بررسی گسترده‌یی را می‌طلبد ضمن اینکه به کارگیری اصول علمی مزبور محدود به موارد ذکر شده نیست بلکه بسیار می‌تواند گسترده‌تر و فنی‌تر باشد و با به کارگیری این روش‌هاست که می‌توان معلوم کرد بهترین موقعیت و آنچه می‌بایست انجام داد چیست؟ و هم در این تحلیل‌هاست که سیستم گزارش‌دهی متحول و پویا می‌گردد.

### منحنی تعیین درصد فراوانی تراکمی



### توضیح منحنی درصد فراوانی تراکمی

- ۱- در دستگاه مختصات مربوطه نقاط درصدی در محور عمودی و فراوانی مربوطه به درصد فراوانی تراکمی مربوطه در محور افقی آمده.
  - ۲- در منحنی کلاً چهار نقطه «الف و ب و ج و د» معین شده که نقاطی است که در آنها به ترتیب ۲۵ درصد و پنجاه درصد و ۷۵ درصد و صد درصد فراوانی قرا گرفته به اصطلاح چارک اول و چارک دوم و چارک سوم و چهارم مشخص شده.
  - ۳- فواصل هر یک از چارک‌ها با یکدیگر به شرح ذیل هستند.
    - ۳-۱- فاصله چارک اول با چارک دوم = «الف تا ه» = ۲۰ فقره پرونده
    - ۳-۲- فاصله چارک دوم با چارک سوم = «ه تا و» = ۴۰ فقره پرونده
    - ۳-۳- فاصله چارک سوم با چارک چهارم = «و تا ز» = ۲۰۰ فقره پرونده
- نتیجه نصف حوزه‌ها از نظر تناسب کار با امکانات وضعیت نسبتاً مناسبی دارند و  $\frac{1}{4}$  بعدی فاصله قابل توجهی با نصف اول دارد و فاصله  $\frac{1}{4}$  آخر با بقیه بسیار زیاد است. ...



مِنْ دَلَائِلِ الْعَقْلِ، النُّطْقِ بِالصَّوَابِ

سخن گفتن درست از نشانه‌های خردمندی است

امام علی (ع)